

در آفاق

در شماره پیشین گفتیم که فرهنگ یک جامعه روح و شخصیت آن جامعه به شمار می آید که از یک سو مایه تشخیص و امتیاز آن جامعه از جوامع دیگر است، و از سوی دیگر عامل حرکت و تعالی انسانها یا سکون و سقوط آنان در آن جامعه.

اهمیت و ارزش پدیده فرهنگ به گونه ای است که هیچ بحث اجتماعی بدون نگاه و تحلیل فرهنگ به نتیجه مطلوب نمی رسد. این امر ما را واداشت که شماره دیگری از فصلنامه آفاق را به پدیده فرهنگ اختصاص دهیم. امید است که توانسته باشیم برخی از ابعاد این پدیده را بازگشایی نماییم.

در این پیش گفتار به نکته ای اشاره می کنیم که در درک حقیقت و جایگاه فرهنگ و چگونگی تعامل با آن اهمیت بسزایی دارد. پیش از یاد کرد آن شایسته است به این نکته مقدماتی توجه شود که فرهنگ را به دو قسم تقسیم کرده اند: ۱- فرهنگ رایج ۲- فرهنگ آرمانی یا متعالی. قسم نخست ناظر به فرهنگ موجود جامعه است اعم از این که مطابق رشد و کمال انسان باشد یا نه. بنا براین حتی باورها و سنتهای خرافی و نامعقول را نیز در برمی گیرد. اما قسم دوم اشاره به آن سطحی از فرهنگ دارد که پیراسته از ضعفها و آسیبها بوده و در راستای تعالی و تکامل انسان ها قرار دارد. این قسم معمولاً در جوامع وجود ندارد یا بسیار اندک است. از همین رو مصلحان اجتماعی می کوشند فرهنگ موجود را به سمت فرهنگ متعالی سوق دهند و فرهنگ متعالی را در جامعه تحقق بخشند.

حال با توجه به این نکته باید گفت فرهنگ متعالی و آرمانی که مقصد و مقصود اصلاحگران و مهندسان اجتماعی است، دارای یک سلسله اصول یا محورهای است که کلیت فرهنگ بر اساس آن شکل می گیرد و اجزای آن به این اصول و محورها

ارجاع داده می شود. شاید در آغاز این سخن غریب به نظر آید. زیرا همان گونه که در تعریف فرهنگ گفته شده است، مؤلفه های متنوع و ماهیتاً متفاوتی در پدیده فرهنگ وجود دارد، چگونه می شود این مقوله ها و ماهیتهای متفاوت دارای اصول و بنیادهای مشترک باشد.

اما این یک واقعیت است که بخشهای گوناگون فرهنگ به اصول معینی تکیه دارد و به محورهای خاصی ارجاع می یابد که شناخت اینها در ساحت های مختلف چون اصلاح فرهنگ، روش اولویت گزینی برای اصلاح و تربیت فرهنگی انسان نقش مهمی دارد. برای دریافت این واقعیت توجه دوباره به مؤلفه های فرهنگ بایسته است.

فرهنگ از چند بخش عمده تشکیل شده است که عبارتند از : ۱- باورها ۲- ارزشها ۳- سنتها و عاداتها ۴- نمادها و نموده های اندیشه و احساس چون ادبیات، هنر و... در همه این عناصر - اگر به دقت مورد توجه قرار گیرد- یک سلسله محورهای به عنوان پس زمینه وجود دارد که بر همه این عناصر سایه افکنده و آنها را تحت تاثیر قرار داده است این عناصر عبارتند از امور زیر :

۱- حقیقت. در همه باورها، ارزشها و حتی برخی سنتهای اجتماعی و تجلیات احساس، حقیقت نقش اساسی دارد در فرهنگ متعالی، باور بر محور حقیقت شکل می گیرد، ارزشها بر اساس حقیقت تعلیل و تبیین می شود، سنتهای اجتماعی به عنوان این که متضمن حقیقت اند، پایه گذاری می گردد و شعر و هنر به مثابه این که نماد و نمایانگر حقیقت هستند، آفریده می شوند. در هیچ جای از فرهنگ متعالی و آرمانی باطل جایگاهی ندارد. پس حقیقت تنها محوری است که مؤلفه های گوناگون فرهنگ بر پایه آن شکل می گیرد.

۲- عدالت. عدالت از واژگانی است که در همه فرهنگ ها و در همه بخشهای یک فرهنگ به عنوان واژه مقدس تلقی می شود. از همین رو هیچ انسانی نیست که تحقق آن را جزء آمال و آرزوهای نخستین و ضروری خویش نداند. در فرهنگ متعالی

عدالت یکی از لوازم و پیامدهای باورها، یکی از هسته های اصلی ارزشها، یکی از بنیاد های سنتها و عادتها و یکی از هدفهای هنر و تجلیات احساسات و عواطف انسانی به شمار می آید. جایگاه ژرف عدالت در باور و احساس بشر نیاز به توضیح ندارد کدام فرهنگی را می توان یافت که عدالت را ارج نهد و به قداست آن اذعان نداشته باشد.

۳- آزادی. یکی از ارزشهای جاودانه که جاودانگی اش را از ریشه هایش در فطرت بشر می گیرد، آزادی است. هیچ دوره از دوره های زندگی بشر نیست که انسانها در پی دست یابی به این هدیه الهی نبوده باشد چه جانها که بخاطر آزادی فدا نشده است و چه خونها که به پای درخت آزادی ریخته نشده است. همه مکاتب الهی و بشری یکی از رسالت هایشان را تحقق بخشیدن آزادی بشر معرفی کرده اند: «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف/۱۵۷) «وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا» (آل عمران/۶۴) گرچه برخی از مکاتب بشری از قداست و جذابیت این ایده سوء استفاده کرده و بدترین آسیبها را تحت نام آزادی بر پیکر آزادی وارد کرده اند، اما هیچ گاه چنین رفتارهایی باعث نشده است که جایگاه و مرتبت آزادی در فرهنگ بشری چه در بخش باورها و چه در بخش ارزشها و چه در سایر مؤلفه های فرهنگ تنزل یابد. بلکه همچنان به عنوان یکی از محورهای تأثیر گذار در فرهنگ بشری باقی مانده است.

۴- معنویت. معنویت واقعیتی است که از طیف بسیار وسیعی برخوردار است. یک سر آن دوری از لذتهای حیوانی و اسارت در چنگال هوسهای زمخت زمینی و سر دیگر آن لذت بردن از احساس حضور در محضر و آستان قدس الهی و عشق به دیدار لحظه به لحظه لطف و رحمت و شکوه و زیبایی الهی است. چنین واقعیتی همواره البته در رده ها و سطوح متفاوت در فرهنگ انسانها مطرح بوده است. برخی تنها تعالی یافتن از وابستگی به شکم و شهوت را تقدیس کرده اند. برخی رهایی از وابستگی به ماده و مادیات را ستوده اند. بعضی نه تنها رهایی از وابستگی که بستگی

به عالم قدس و شکوه صفات الهی را ارزش تلقی کرده اند. «وارواحننا معلقه بعزّ قدسک» به هر حال معنویت در طیف گسترده و مصادیق متنوعش یکی از عناصر مطرح در فرهنگ بشری بوده است که هم باورها را تحت تأثیر قرار داده و هم ارزشها را و هم سنتها، هنر و ادبیات و...

۵- پرستش. پنجمین محور مهم فرهنگ بشری پرستش است که دارای ابعاد سه گانه ایمان، عبودیت و تقواست، از نظر فکر و باور به صورت ایمان و در عمل و رفتار به صورت عبودیت و بندگی و در اخلاق و صفات نفسانی به صورت تقوا تجلی می کند. این پدیده نیز در چهره های گوناگون گاه مصفاً و گاه مشوه در فرهنگ بشری حضور داشته است. توحید شکل کامل و برتر و مصفاً آن و شرک شکل حقیر و مشوه و محرف آن به شمار می آید. تاریخ بشر همواره نشان دهنده جلوه های از پدیده پرستش بوده است. استمرار و تداوم این پدیده نشان از اهمیت و مرتبت آن در فرهنگ بشری دارد.

این امور پنجگانه از مهم ترین عناصر و محورهای فرهنگ بشری است که هم از لحاظ حضورشان در همه فرهنگها و هم از لحاظ ظهورشان در همه اجزاء و مؤلفه های یک فرهنگ نقش عمده و تأثیرگذار بر کلیت فرهنگ دارد. نقطه مشترک این امور که معیار تعیین آنها به عنوان عناصر اصلی و بنیادی فرهنگ تلقی می شود، نقش و تأثیر آنها در رشد و تعالی همه جانبه انسان است. بشر با گرایش فطری و وجودی خویش و نیز با نگرش درونی و باطنی خویش به ارزش و اهمیت این امور در سرنوشت خود مهر تأیید نهاده است.

آنچه یادکرد اهمیت این عناصر را بایسته می کند تأثیر توجه به آنها در اصلاح اجتماعی است. هرگونه اصلاح و بهسازی اجتماعی جامعه نیازمند شناخت عناصر تأثیرگذار فرهنگی و بهره گیری از آنها در رهیافت به اصلاح کلیت فرهنگ و پالایش و پیرایش روح جامعه است که امیدواریم در این پیشگفتار انگیزه برای مطالعه این مهم فراهم کرده باشیم.

سردبیر